

دولت و احزاب^(۱)

آنتونیو گرامشی

نقش سیادت و یا رهبری سیاسی احزاب را می‌توان از طریق بررسی زندگی داخلی آنها ارزیابی کرد.^(۲)

اگر دولت معرف قدرت تحکم، مجازات و مقررات قضائی یک کشور است، و مقررات به مثابه نوع همزیستی جمعی که عموم باید در آن جهت تربیت شوند. احزاب در عین حالی که مبین انضمام خود به خودی الیت به مقررات نامبرده می‌باشند، ضروری است نشان دهند که در زندگی درونی و خاص خویش آن چه را که در سطح دولت به مفهوم اصول قانونی واجب الاجراء می‌باشد، به مثابه مبانی اخلاقی درک و قبول کرده‌اند.

در احزاب عملاً ضرورت به آزادی تبدیل می‌گردد و از این جا اصل ارزشمند سیاسی (یعنی رهبری سیاسی) انضباط درونی حزب سرچشمه می‌گیرد و به این ترتیب است که انضباط به ملاک تشخیص قدرت، ظرفیت و توسعه‌ی احزاب بدل می‌گردد.

از این دیدگاه می‌توان احزاب را مدرسه‌ی زندگی دولتی نامید. عناصر متشکله‌ی زندگی احزاب عبارتند از: اخلاقی، (قدرت مقاومت در برابر تمایلات ناشی از فرهنگ کهنه)، شرافت، (تصمیم خلل ناپذیر جهت پشتیبانی از فرهنگ و زندگی نو)، لیاقت، (آگاهی به عمل در راه آرمانی والا) و غیره.

یادداشت‌ها:

- ۱- از کتاب «گذشته و حال»، ص.ص. ۶۹-۶۸.
- ۲- جهت درک رابطه بین زندگی درونی احزاب و تأثیر سیادتی (هژمونی) آنان به مقدمه [انتشارات بابک] مراجعه شود.

منبع: «برگزیده‌ای از آثار آنتونیو گرامشی»، انتشارات بابک، ایتالیا، تیر ۱۳۵۶، ص. ۱۵۰.
ترجمه: انتشارات بابک. یادداشت‌ها از انتشارات بابک.
بازنویس: روبرت هاکوپیان، اردیبهشت ۱۳۸۳.

www.marxists.org